

۱۰. مأموریت از خداوند

از بدو مدنیت بشر هنگامی که مردم خداوند را فراموش کردند و غرق در شرارت شدند، خداوند حضرت نوح را چون واعظ عدالت فرستاد تا آن نژاد بدکاران را بخداشناسی برگرداند. مردم آزاد بودند مزه حیات بخش آن حضرت را قبول کرده نجات یابند یا رد نموده هلاک گردند. به مرور در قرنهای بعد از آن خداوند مکرراً رسولان و انبیاء را فرستاد تا مردم را به اعتراف و ایمان به خالق دعوت کنند. ولی تمایل طبیعی بشر دائماً در جهت پذیرش فریبهای شیطان و انکار استیناف الهی بوده است.

در قرنهای بعد از عیسی نیز همان وضع مشاهده می شود. توسط عاموس نبی خداوند گفته بود که «خداوند یهوه کاری نمی کند جز این که سر خویش را به بندگان خود انبیاء مکشوف میسازد.» (عاموس ۷:۳). در اوائل قرن هفتم میلادی، دنیا نیاز به رسولی با چنین رسالت صالح جویانه و صمیمانه داشت. نه فقط جمعیت بت پرست عربستان ایام جاهلیت احتیاج به چنین پیغامی داشتند بلکه مناطق وسیعی از ساکنان مسیحی مرتد چنان که در برنامه گذشته عرض کردیم مرتکب ترک تعلیمات مسیح شده بودند نیز احتیاج بچنین پیغامی داشتند - یعنی کسی که آنان را به شناسائی و پرستش خدای واحد دعوت کند. زمینه آماده بود و رسول در وقت معین ظهور کرد.

بظهور و پیشرفت اسلام معروفی باشد به

پیغمبر اسلام به ستاره ای از آسمان تشبیه شده

است. بسیاری از رهبران قومها با نیروی نظامی شان با قوم مرتد خداوند جنگیدند. منجمله

بخت النصر، پادشاه بابل که در قرن ششم قبل از میلاد مسیح صدها هزار تن از بنی

اسرائیل را به اسارت برد. وی "بنده خدا" - خوانده شد. حضرت موسی تهدید کرده بود که این قوم اگر امین نمانند چنین بلائی نصیبشان خواهد شد.

بدون شک این ستاره ای که از آسمان نازل شد وسیله ای در دست خداوند بود برای کفر دادن بگناهکاران که از فرمان خداوند سرکشی کرده بودند. در شبه جزیره کویر و ویران عربستان که گوئی بکلی غیرمسکونی است بنا بود بیشوائی ظاهر شود که با تعصب روحانی و نیروی مافوق الطبیعه و ورای انسانی، مقصود پروردگار را بر آورده سازد.

ارتش این رسول دارای نیروهائی همچون ملخ خواهد بود. در ادوار مختلف تاریخ دنیا دیده شده که ملخها قدرت ویران و تاراج کننده ای داشته اند. بدین ترتیب سپاه جهاد از عربستان بایر غضب الهی را بر مرتدین وارد آوردند و مردم در عین حال بتوبه گرائیدند. قوای اسلام در مدت بسیار کمی نائل به فتح قسمتهای خیلی وسیعی شد و قدرت سلطه آنان بر اکثر آسیای جنوبی از سرحد چین تا اقیانوس اطلس، افریقا و اسپانیا و اروپا مستقر گردید. تفسیر پیروزیهای نظامی اسلام از نقطه نظر حوادث تاریخی غیر قابل وصف است. مورخین سعی کردند شکست ساسانیان زرتشتی و امپراطوری بیزانترین را در نتیجه زد و خورد سالهای متوالی با یکدیگر و تضعیف همدیگر تفسیر نمایند. ولی این جواب ساده و ناقص می باشد. سالهای طولانی جنگ بین ایران و روم که دو امپراطوری بزرگ جهان بودند ممکن است تا اندازه ای علل ضعیف شدن آنها باشد ولی دلیل کافی برای شکست هر دوی آنها نمی باشد. در بین سپاهیان جهاد نیروی نامرئی و مافوق الطبیعه و پر قدرتی وجود داشت که سر زمین های دشمنان را زیر پرچم اسلام در آورد - نیروئی که خارج از تفسیر تاریخی و عادی باشد. مورخین در این مورد مواجه با اشکالات عظیم انسان شناسی و اجتماعی می شوند. در تمام دوران تاریخ چه قبل از اسلام

و چه بعد از لشکرکشی اعراب، زمانی نبوده که ملل عرب چنین روح پیوستگی و وحدت و هماهنگی و همکاری در هر کاری داشته باشند. روابط بین ممالک عربی امروزه نیز آن را تصدیق میکند. افراد متعصب دنیای عرب ایده و عقاید تازه را بسختی می پذیرند. مع و

در جهت بشارت و وحدانیت خداوند تجدید و تغییر یافتند.

ظهور و رشد و توسعه اسلام در نقل و انتقال قومها و امتهای بی سابقه بود. جستجوی سبب و علت آن در کتب عادی بیشتر خواهد بود. دنبال یک دهه موعظه که در آن حضرت محمد بت پرستان عربستان را به ایمان به خدای واحد رهبری نمود - یعنی در اولین ده سال هجرت، عظیم ترین پیوستگی مردم عرب برای انجام یک هدف بوقوع پیوست.

یک شاهد منصف با تعبیر و بررسی در این بیانات بوضوح متوجه خواهد شد که در آن زمان بت پرستی بر جهان حکم فرما بود. خداوند نهضتی برای اصلاح این وضع برپا کرد و آن نهضت با تازیانة خداوند اجرا گردید. خداوند یکی را برای رهبری آن نهضت مبعوث کرد و اسلام بنا بود آن نقش را اجرا کند. برای انجام آن مقصود پایه بسیار وسیعی بررسی خواهیم کرد. خداوند آن پایه پهناور را به نیروهای اسلامی عطا کرد تا مردم آن سرزمین های پراکنده را از مزده خداوندی خبر نمانند.

طبق پیشگوئی انجیل با کنجاوی بیشتری در پیشرفت اسلام استنباط می شود که سپاه جهاد می باید فقط آنانی را دشمن دانند که مهر خدا را بر پیشانی خود ندارند. (مکاشفه ۴:۹). وقتی که در باره مهر صحبت می کنیم، معلوم است که به مدارک

رسمی اشاره میشود. هر مدرک رسمی میباید با مهر مسئول آن ممهور شود. مهر است که بمدرك رسمیت و اعتبار میبخشد. برای نمونه - آقای کلیتتن، رئیس، جمهور امریکا - اسم و مقام و وسعت حکمرانی او ذکر شده است. این سه نکته ضروری در مهر آن شخص بایستی ذکر و مشاهده شود.

شریعت خداوند مدرک رسمی میباشد. در حکم چهارم خداوند حفظ و تقدیس روز سبت را فرمان می دهد. آن مهری که دارای سه نکته ضروری فوق الذکر می باشد و کلمه شریعت را مقتدر و پایدار می کند در خلال حکم چهارم احکام دهگانه یافت میشود. زیرا فقط در حکم چهارم است که نام (خداوند)، مقام (آفریننده)، و وسعت حکمرانی (آسمان و زمین) را ذکر میکند. برای اطلاع شنوندگان محترم، حکم چهارم را برایتان نقل می کنیم:

«روز سبت را یاد کن تا آنرا تقدیس نمائی. شش روز مشغول باش و همه کارهای خود را بجا آور. اما روز هفتمین سبت بیهوه خدای تو است، در آن هیچ کار مکن تو و پسر تو و دخترت و غلامت و کنیزت و بهیمه ات و مهمان تو که درون دروازه های تو باشد، زیرا که در شش روز خداوند آسمان و زمین و دریا و آنچه را که در آنها است بساخت و در روز هفتم آرام فرمود از این سبب خداوند روز هفتم را مبارک خوانده آنرا تقدیس نمود.» (خروج ۲۰:۸-۱۱).

یکی از بدعت‌هایی که در کلیسای دوران سوم و چهارم (که دفعه گذشته بیان کردیم) رخنه کرد همانا تقدیس روز یکشنبه یا روز خورشید بود که جشن بت پرستی و نشان یا علامت ارتداد است. آن روز بجای روز سبت یا شنبه که روز هفتم هفته می باشد و یاد آورنده خالق و خلقت هفت روزه جهانست به ناحق جایگزین شد.

قرنها پیش از آن دانیال نبی الهام یافته در پاره اولین چهار دوران عصر مسیحیت

پیش بینی کرد که تشکیلات کلیسایی که بنا بود در شهر روم تمرکز یابد قصد تبدیل کردن زمانها و شرایط را خواهد داشت. (دانیان ۲:۲۵). به کلمات دیگر سعی خواهد کرد آن قسمت شریعت را که به زمان یا وقت مربوط است تغییر دهد. سرانجام صحت این نبوت در ادعای کلیسای کاتولیک روم بوضوح هویدا شد که آن را از انتشارات رسمی ایشان نقل میکنیم: «کلیسا آئین و نگهداری سبت را به یکشنبه با حق الهی و اعتقاد به این اصل که پاپ خطا نمی کند و به آن قدرتی که از بانی خود عیسی مسیح در یافت نموده عوض کرد.»

دقیقاً نکته قابل توجه این جاست که در همان دورانی که کلیسای کاتولیک روم خواست شریعت ابدی خداوند را تغییر دهد (که تقریباً تمام عالم مسیحیت آن را قبول و پیروی مینماید) نهضتی در عربستان برعلیه این تشکیلات مجلل شد تا با آن مبارزه کند. اصل موضوع مورد ملاحظه همانا خالقیت خداوند بود که روز سبت یادگاری آن واقعه میباشد. در مقابل حکومت روم که مردم را مجبور میکرد فرمانهای خود را با جرم مرگ اطاعت کنند فرمانروایان مسلمان آزادی دین و عقیده بیسابقه ای را ترویج دادند. قسمتهای بزرگ افریقای شمالی و خاور میانه که تحت حکمرانی مسلمانان خداترس قرار گرفته بود از حکومت استبدادی روم و بیزنطیم محفوظ ماندند.

چون همه مسیحیان یکسان نبودند و نیستند، سپاهیان فاتح اسلام این دستور واضح را داشتند: «همه اهل کتاب یکسان نیستند. برخی از ایشان گروهی اند که قیام کننده اند در ساعات شب آیه های خدا را می خوانند در آنحال که ایشان بسجده پرداخته اند بخدا و روز واپسین میگردند و بنیکوئی فرمان می دهند و از کردار زشت باز می دارند و در نیکوکاری و اعمال خیر میشتابند. آنگروه از جمله شایستگانند.» (سوره آل عمران: ۱۱۳ و ۱۱۴).

در خاور میانه، سوریه، لبنان، بین النهرین، افریقای شمالی و اماکن پراکنده و دوردست جماعتی از ایمانداران امین که براز و نیاز و مطالعه کلام خداوند می پرداختند، یافت میشد. هر گاه نظامیان رومی آنان را در می یافتند تحت شکنجه شان قرار می دادند یا قتل عامشان میکردند. آنان همواره از فرمانروایان مسلمان لطف و محبت دیده بودند و موضوع جالب آنکه شنبه و یکشنبه علامت مشخص کننده ای بود.

از فرمان رهبر مجیدشان چنین استنباط شد که ایمانداران همه یکسان نبودند. فرقی بین اصحاب کتاب وجود داشت. کسانی را که می باید آزاد گذاشت نسطوریان بودند که مورد تنفر روم قرار گرفته بودند. بین آنان و برخی از حبشی ها عده ای وجود داشت که بوحدانیت پروردگار معتقد و روز هفتم یا شنبه را طبق حکم ابدی خداوند حفظ و رعایت مینمودند.

نکته جالب دیگری در نبوت انجیل نسبت به اسلام و فعالیت خود در مبارزه با

است که در عبرانی

می خوانند(مکاشفه ۹:۱۱). از اینکه هاویه

بعرستان اشاره میکند ذکری بردیم ولی پادشاهی که داشتند و یا رهبری که مسلمانان را هدایت مینمود همانا پیغمبر اسلام محمد بن عبدالله بود. حتی خلفای بعد از حضرت محمد به بزرگی مقام وی اعتماد کامل داشتند. وی سرمشق ایشان بود. فرمایشات وی هادیشان بود. شخص خود نبی در تمام تاریخ اسلام نظیر نداشته است. در همان زمان فتوحات وی اخگری بود که دنیای متمدن را منور و درخشان گردانید.

بزبان یونانی دو معنی دارد - فرشته و رسول. حقاً عالم عرب پیغمبر

هر دو معنی هلاک کننده دارند. از نقطه نظر

ایمانداران او واقعاً رسول یا ستاره ای از آسمان بود ولی از نقطه نظر مسیحیان مرتد هلاک کننده ای بود.

در بسیاری از پیامهایی که خداوند برای جهانیان فرستاده، آنان را از کیفر کارهای ناشایستشان با خبر ساخته است. نهضت اسلام برای ممالک مرتد که بذر بیدینی پاشیده و محصول بدی و ویرانی را برداشت کرده بودند بزبان بار، ولی برای مؤمنین بشارت برکات ابدی بود.

بیش از چهارده قرن از موعظه آن مرزده آسمانی می گذرد. امروز دنیا مجدداً به نهضت دیگری محتاج است که شامل تمام ایمانداران از هر امت و زبان و قوم و قبیله باشد - یعنی ایماندارانی که حاضرند ایمانشان را بمرحله عمل در آورند - نهضتی که قدرت بمردم همه جا بدهد تا از استعمال مخدرات و مسکرات و امیال و کردار اهریمنی اجتناب ورزیده و در پاک زیستی روان و بدن داوطلبان فرودس باشند

عنوان برنامه آینده ما «نقشه خداوند» میباشد. منضور از آن نهضتی است که باید تمام دنیا را فرا گیرد. هر فردی میتواند با همگاری با خداوند سهم مهمی در آن داشته باشد. السلام علیکم و رحمت اللہ و برکاته. خدا حافظ شما باشد.